



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۶/۰۸/۰۴

نویسنده: ن. جلیل زاد

راه بلند امانیان آیینۀ نهضت شاه اصلاحات و ترقی، استقلال و آزادی

سپیده دم استقلال بر فراز راه بلند امانیان
تندر بیداری ملت در مسیر راه بلند امانیان
بیرق آزادی در قله های راه بلند امانیان
حماسه شاه اصلاحات در سنگر راه بلند امانیان
نبض جاودان وطن در شریان های راه بلند امانیان
طوفان استقلال در مسیر راه بلند امانیان
طلوع آزادی بر قله های راه بلند امانیان
فریاد غیرت ملت در راه بلند امانیان
شکوه شاه اصلاحات در راه بلند امانیان
بیرق بیداری بر فراز راه بلند امانیان
نبض تاریخ در سینه راه بلند امانیان
ققنوس وطن از آتش راه بلند امانیان
پیمان نسل ها بر سنگفرش راه بلند امانیان
خورشید ترقی در سپیده دم راه بلند امانیان
حماسه جاودان ملت در راه بلند امانیان

در پهنه تاریخ این سرزمین، روزگاری طلوع کرد که خورشیدش نه از افق شرق، بلکه از دل اراده یک مرد برخاست، مردی که قامتش از جنس رؤیا بود و نگاهش از تبار فردا .

آن روزگار، روزگار امان الله خان بود ، شاهی که نه تنها تاج بر سر داشت، بلکه شعله بیداری ، ترقی و اصلاحات بر پیشانی زمان افروخت .

در آن سال ها، آسمان وطن، رنگی داشت که هیچ نقاشی نتوانست همانندش را بر پرده بکشد ، رنگ آزادی، رنگ غیرت، رنگ جهش یک ملت از تاریکی به روشنایی.

امان الله خان، چون صاعقه ای بر سکوت تاریخ فرود آمد .

افغانستان آن روز، زخمی از سال ها دخالت بیگانه، خسته از سایه های سنگین قدرت های بیرونی، و تشنه یک فریاد بود .

شاه جوان، این تشنگی را شنید ، نه با گوش، بلکه با قلب .

او دانست که استقلال، تنها یک لغت نیست ، یک قیام است، یک خیزش است، یک آتش مقدس است که باید در جان ملت افروخته شود .

و چنین شد که بیرق استقلال، نه بر فراز یک قصر، بلکه بر فراز روح یک ملت برافراشته شد.

جنگ استقلال، روایت شمشیر و تفنگ نیست، روایت اراده مردمی است که سال ها در سکوت زیسته بودند و ناگهان چون کوه های بابا و هندوکش، استوار و بلند قامت شدند .

از دشت های هلمند تا کوهپایه های کنرها و نورستان، از بادغیس تا پکتیا، صدای «استقلال» چون طوفان برخاست .

این صدا، نه تنها گوش جهان را لرزاند، بلکه استخوان های استعمار را شکست .

سال ۱۹۱۹ ، سالی شد که افغانستان، نه تنها آزاد شد، بلکه به جهان ثابت کرد که ملت های کوچک نیز می توانند اراده های بزرگ داشته باشند.

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولئ

اما شاه جوان، تنها فاتح میدان جنگ نبود، او فاتح میدان اندیشه بود .
 او می دانست که آزادی، اگر در ذهن ها ریشه نگیرد، دوباره در بند می افتد .
 پس دروازه های مکتب را گشود، نه به عنوان یک فرمان شاهانه، بلکه به عنوان یک دعوت مقدس به سوی نور .
 دختران و پسران این سرزمین، برای نخستین بار، حق یافتند که ، در صنف های درس بنشینند و آینده را بیاموزند .
 قلم، که سال ها خاموش بود، دوباره بر کاغذ دوید و جراید، چون پرندگان صبحگاهی، پیام بیداری را در سراسر کشور پخش کردند.
 امان الله خان به سفر رفت ، اما سفر او، سفر یک جهانگرد نبود .
 او چون شاگردی فروتن، از تمدن ها درس گرفت تا برای وطن خویش، نسخه ای از ترقی بیاورد .
 در اروپا، نظم را دید ، در شرق، فرهنگ را ، در غرب، صنعت را ، و در دل خود، همه را با عشق وطن آمیخت .
 وقتی بازگشت، با خود تنها خاطره نیاورد، با خود قانون آورد، راه آورد، مکتب آورد، شفاخانه آورد، و مهم تر از همه، رؤیای یک افغانستان نوین را آورد.
 راهی که او گشود، راهی بود که از سنگلاخ ها می گذشت .
 دشمنان اصلاحات، چون سایه های تاریک، در برابر روشنایی ایستادند .
 سنت های کهنه، چون دیوارهای بلند، راه را سد کردند .
 اما شاه جوان، با اراده ای که از فولاد سخت تر بود، پیش رفت .
 او می دانست که هر اصلاحی، بهای خود را دارد ، و او این بها را پرداخت، با تبعید، با رنج، با دوری از وطن در انزوا و در غربت .
 اما اندیشه او، هرگز تبعید نشد، هرگز خاموش نشد، هرگز از دل این ملت بیرون نرفت.
 امروز، وقتی نام امان الله خان را بر زبان می آوریم، تنها یک شاه را یاد نمی کنیم، یک نهضت را یاد می کنیم .
 نهضتی سترگی که در آن، استقلال، ستون اول بود، ترقی، ستون دوم، و آزادی، سقف بلند آن. نهضتی که به ما آموخت وطن دوستی، تنها احساس نیست، مسئولیت است .
 نهضتی که نشان داد یک ملت، اگر بخواهد، می تواند از خاکستر تاریخ، سیمرغ و ققنوس وار برخیزد.
 راه بلند امانیان، راهی است که هنوز ادامه دارد. این راه، نه در صفحات کتاب ها، بلکه در قلب های ما زنده است .
 هر جوانی که قلم برمی دارد، هر دختری که درس می خواند، هر مردی که برای عدالت می ایستد، ادامه دهنده همان راه است .
 نهضت امانی، نه یک خاطره دور، بلکه یک چراغ است، چراغی که در تاریکی های امروز، راه فردا را روشن می کند.
 بیایید این چراغ را پاس بداریم .
 بیایید استقلال را چون گوهر مقدس حفظ کنیم. بیایید ترقی را نه یک شعار، بلکه یک عمل بسازیم .
 بیایید آزادی را به نسل های آینده بسپاریم. همان گونه که شاه جوان، آن را برای ما به میراث گذاشت.
 امان الله خان، تا وطن هست، زنده است.
 و نهضت امانی، تا دل های ما می تپد، خاموش نخواهد شد.

۴ اگست ۲۰۲۶

آرشیف: مطالب نشر شده ن. جلیل زاد